

به مناسبت اول ماه می ۲۰۱۴، برابر با ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳

اول ماه می، بهانه ای است که اعتراض روزمره ی کارگران، در خیابان ها فریاد شود، اول ماه مناسبتی است که کارگران و تمامی زحمتکشان خیابانها و میادین را در اختیار گیرند و خواست و مطالبات خود را فریاد زنند، اول ماه مه، روزی است که کارگران در سراسر جهان با یادآوری مبارزات تاریخی همطبقه ای هایشان بویژه کارگران آمریکا که در چنین روزی مبارزه ای برای ۸ ساعت کار و بهبود شرایط بهتر کار را در دستور گذاشتن، پیرامون یک سال مبارزه خویش به اندیشه بنشینند و ببینند که در یکسال گذشته، چه مبارزاتی را پیش برده اند و نقاط قوت و ضعف مبارزه شان در کجا بوده است و چه کاری باید انجام دهند تا اشکالات و مشکلات و موانع را کمتر کنند. روند نظام نابرابر سرمایه داری و نمایان شدن چهره ی سراسر خشونت بار سرمایه در یک دهه ی اخیر، به قدری شفاف شده است که حتا نظریه پردازان نئولیبرال نیز در پی یافتن راه حلی برای حفظ نظامشان هستند، شدت نرخ استثمار در تاریخ این نظام به اوج خود رسیده است، سطح معیشت زندگی کارگران جهان، به این میزان پایین نبوده است و شاخص های دیگری همچون فقر و بیکاری و ... در جهان بیداد می کند، و از یک طرف جنگ بین امپریالیست ها زندگی و جهان ما را تهدید جدی می کند، اما از سوی دیگر کارگران جهان نیز، بنا بر خواست ها و مطالبات طبقاتی خویش می رزمند و مبارزه می کنند تا نظم موجود را بنیاداً دگرگون دهند، برای چنین دگرگونی داشتن حزب کارگران آگاه، بعنوان ستاد جنگ طبقاتی برای ادامه این نبرد و تبدیل آن به یک انقلاب اجتماعی پیروز مند و در هم شکستن دولت های موجود و ایجاد دولت جدید کارگران و زحمتکشانشان لازم و ضروری است، اگر توجهی به میزان و کیفیت جنبش ها و اعتراض های اجتماعی بی شمار یک دهه ی گذشته داشته باشیم، مستندی تاریخی علیه نظام نابرابر سرمایه داری است و پرداختن به آنها بعنوان تجربیات گراندتر مبارزات طبقاتی از ضرورت بنیادی برخوردار است. سخن کوتاه تا به بررسی یکی از این جنبش ها نگاهی بکنیم.

حمید قربانی

۲۵ آپریل ۲۰۱۴

**این تو زلاست که می تواند نجات دهنده انقلاب در بوسنی و هرزه گوین
باشد.:: «ما، کارگران، همه متحد هستیم»**

۱ مارس ۲۰۱۴

اخبار انقلاب- اروپا

It's Tuzla That Can Save The Revolution In Bosnia And Herzegovina: "We, The Workers, Are All United"

04/01/2014 [Bosnia](#), [Europe](#), [Revolution News](#)



کانتون توزلا اولین کانتون در بوسنی و هرزگوین است که دست به ایجاد یک دولت انتقالی زده است که از اتاق های (پلننوم) روشنگرانه و نقدانه تشکیل یافته است که آنها از دموکراسی بورژوائی، جامعه ی ضد انقلابی بین المللی و طبقات حاکم داخلی احساس خطر نموده اند.

در سارایوو همین الان دولت موجود تلاش برای ممنوع کردن اینکه شهروندان در محیط های عمومی جمع شده و از شرایط زندگی خویش گفته و درخواست های خود را بیان کنند را، آغاز نموده است، که سرکوب دولتی را اعمال می کند.



آزادی ملت من است. Freedom is my nation.

در توزلا، تنها کارگران هستند که می توانند، از گرد همائی های عمومی که به جوشش واقعی انقلابی خیلی نزدیک هستند، نگاهی ممکنه را نمایند. حتی باید دانست این کارگران بودند که چنین شورشی را آغاز نمودند، و امکانی برای همه انسان ها فراهم کردند تا بتوانند قدرت از دست رفته ی خود را پس بگیرند، درباره در خواست های خود به بحث بنشینند و این **نهمین** مجمع عمومی کانتون توزلو می باشد (زبان اصلی بوسنیاست و به انگلیسی برگردانده شده است)

<https://www.youtube.com/watch?v=2fLYJL5cbb0&feature=youtu.be>

امینابوسولا دزیک عضو پلنئوم شهروندان توزلا گفت که کارگران این خواست را دارند: «جمع شدن در مجامع عمومی و سازماندهی شدن برای اولویت بندی نمودن درخواست ها، با این هدف که آنها به پلنوم توزلا با نظم و ترتیب داده شوند.»

«بیشترین درخواست ها بر این اساس فرمول بندی گردیده اند که خصوصی سازی ها را بازنگری کرده و کارخانه ها به کارگران بازگردانده شوند». . روی این درخواست بوسولا دزیک متمرکز شد. این یکی از مهمترین شروط و بیشتر از همه درخواست های دیگر انقلابی است که اجرائی شدن آن نه تنها بوسیله ی کارگران در توزلا، بلکه توسط اکثریت کارگران در بوسنی و هرزه گوین باعث استحکام انقلاب می گردد. در هر حال تصمیم گیری در باره آن و اینکه در هر تالاری یا نشست عمومی این خواست کارگران تثبیت گردد، کارگران با تصویب آن، سرنوشت انقلاب خود را تعیین می کنند.





The uprising in Bosnia and Herzegovina started after police attacked workers in Tuzla.

شورش در بوسنی و هرزگوین هنگامی آغاز شد که پلیس به کارگران در توزلا حمله کرد

<http://revolution-news.com/class-war-bosnia-herzegovina-government-fire/>

این در **توزلا** بود، بعنوان یک دژ مستحکم طبقه کارگر که بوسیله آنها، جنگ طبقاتی آشکار بر علیه مردم کارگر شعله ور شد و چون شعله های آتش - اگر به توان با کلمات بیان کرد- در تمام اتحادیه گسترده شد و تمام تضادهای قومی و مذهبی را که باعث و بانی یکی از بدترین قتل عام ها در اروپا بعد از جنگ اخیر جهانی شده بودند را، در شعله های خویش سوزاند.



اما بدترین و زشت ترین جنگی که بر ضد این کارگران و زحمتکشانشان انجام گرفته است اینکه یک جنگ اقتصادی مستعمر و سیستماتیک است که از جانب ثروتمندان و قدرتمداران، و سازمان های جهانی سرمایه داران تا کنون پیش برده شده است.



مردم در تلاش برای بازپس گرفتن قدرت شان هستند و در حال خود سازماندهی در تالارها- نشست ها- مجامع عمومی می باشند- در آنجا، آنها کوشش می کنند که ترتیبات و قواعد عمومی تازه را به تصویب برسانند و اجرائی نمایند. هیچ سیاست مداری اجازه ورود ندارد.



توزلا، ۵ فوریه، ۲۰۱۴، پلیس بر ضد کارگران. Police against workers, Tuzla, February 5th, 2014.

بوسنی و هرزگه گوین یک فدراسیون مرکب از دو قسمت است که از کانتون های خودمختار تشکیل یافته است. بعد از شورش فوریه، بنیادگذاری تالارهای تصمیمگیری بوسیله شهروندان ایجاب کرده اند و موجب شده اند که دولت های محلی همه ی کانتون ها برکنار گردند. برای هفته هاست که در توزلا هیچ دولتی موجود نیست. هیچ کس نیز واقعاً احساس کمبود و اینکه چیزی را از دست داده باشد، نمی کند.

این وضعیت برای کسانی که چنین تغییراتی را ایجاد نموده اند، هنوز کاملاً درک نشده است. این زمان یکی از زمان های بسیار **حساسی** است، و نیروهای راستگرا و کنترا انقلابیون نیز در همه جا دیده می شوند، احساسات قومی شعله ور شده دیگر کاری به نفع آنها قادر نیستند انجام دهند، زیرا که انسان های ساکن در بوسنی و هرزگه گوین فقط بر علیه اینکه، آنها، **کارگران برده** هستند، **شورش نکرده اند**، بلکه بر علیه ناسیونالیسم- ملت گرایی نیز. بر دیوار های ساختمانهای دولتی در توزلا که در **شعله های آتش** سوختند نوشته شده « مرگ بر ناسیونالیسم، به تقسیم کردن انسان ها خاتمه دهید».

هیچ انگیزه عمومی از جانب دولت حاکم در سارایوو برای این شورش برحق به رسمیت شناخته نمی شود.

قبل از اینکه اصلاً تارلارها به مغز کسی خطور نمایند، رادیکال ترین درخواست ها از طرف یک گروه از انسان های ساکن **سارا ایوو** رسید. آنها درخواست های خود را بر علیه «مُدل اقتصادی که به نفع ثروتمندان کار می کند» فرموله کرده بودند. آنها خواهان باز پس گیری محل های کارشان بودند که بوسیله صاحبان کنونی شان غصب شده اند، آنها خواهان اجراء شدن عدالت اقتصادی و مجری شدن ارزش های اجتماعی برای نیروی کار شده بودند.»



اکنون در سارایوو از طرف دولت این کانتون کوشش فوق العاده ی در جریان است تا هر گونه **مجامع عمومی مردمی** را **بلوکه** نماید، که اولین آنها در ۱۲ فوریه برگزار شد، شما می توانید در لینک زیر به زبان انگلیسی و آلمانی ببینید

(<http://en.labournet.tv/video/6654/second-assembly-citizens-tuzla>)

دولت سعی کرد که از جمع شدن مردم در سالن جوانان (Dem Mladih Skenderija) برای بحث در مورد مسائل عمومی مورد علاقه شان، جلوگیری کند، که یکی از اطاق های آن به مدت یک ماه بعنوان تالار گفتگو باز باشد. این واقعاً **تأسف انگیز** است: «این رفتار دولت سارایوو نشان می دهد که آنها چطور پیام شهروندان را در یافت نموده و با درخواست هایشان برخورد می کنند. این نوع رفتار دلالت بر این دارد که دولت کانتون سارایوو اطمینان دارد که آنها مانند قبل می توانند برگشته و به شیوه های قبلی حاکمیت نمایند. آنها خود را قدرتمند فرض می کنند که قادر گردند به شیوه قبل ادامه دهند، زیرا که آنها در بیست ساله اخیر قادر بوده اند که شهروندان خود را نادیده بگیرند.»



«همه برای یکی، و یکی برای همه» Sarajevo "All for one one, and one for all"

«آنها در فکر و احساس خویش، اندیشه می کنند که به طور قطع و تا ابد حاکم هستند، همچنان که برخورد آنها را با زندگی شهروندان در مسئله بحران (JMBG UMCN) را دیده ایم، سیاسیون درجه اول نشسته در دولت کانتون سارایوو و با مغروریتی که دارند خودشان را صاحبان تا ابد سالن عمومی می بینند. همچنان که آنها چنگ انداخته اند بر همه مؤسسات و شرکت های عمومی ما و آنها را در دستان خویش اسیر کرده اند، حالا به روشنی نشان می دهند که تنها وسیله ی باقی مانده در دست شهروندان، تالار عمومی را نیز بگیرند، و تالار عمومی جایی است که آنها ارزش آن را خوب می دانند، زیرا تالار عمومی را بعنوان یک وسیله در دهها سال دیده اند که می تواند تا کجا مؤثر باشد، زیرا که زحمتکشانشان در آنجا جمع شده، قدرت آنها را زیر سؤال برده و در باره درخواست های خویش و راههای رسیدن بدان ها به چاره اندیشی می پردازند. پس باید تجمع عمومی در تالار را بمثابه یک استرومونت موسیقی که برای نواختن و شنیدن دردهای شهروندان مورد استفاده قرار می گیرد و تهدید برای قدرتمداران حریص و طماع است را از چنگ مردم در آورد. برای اینکه شهروندان در نظر دارند که انتخابات اخیر را مورد بازبینی و قضاوت قرار دهند. این آخرین وسیله ای است که شهروندان می توانند بوسیله استفاده از آن، اعمال آنها را نقد کرده و قدرت آنها را زیر سؤال ببرند. برای این ضروری و لازم است که بهر شیوه ای آزادی فکر کردن و درخواست های شهروندان را در هم بکوبند. برای این لازم و ضروری است که دو باره ترس و وحشت را در سطح ملی بگسترانند و شهروندان را به حالت قبل برگردانند. این لازم و ضروری است که فشنگ پلاستیکی و سربی دو باره خرید شده و شهروندان را تروریست و خرابکار نامیده و بتوانند بوسیله آنها سرکوب کرده و مورد آزار، اذیت و تحقیر قرار دهند و به آنها توهین کنند. برای آنها، این لازم و ضروری است که ۶ نفر را بعنوان رهبران در صاف اول قرار دهند و دو باره اوضاع را به حالت نُرمال برگردانند. این دیگر بس است، دیگر نباید اوضاع بهمین منوال پیش رود. »

« ما اخطار می کنیم که دولت عقب نشسته و آنچه را متعلق به همه ی شهروندان در سارایوو است به آنها پس دهد- از آنجمله تالار عمومی یعنی مکان پلنئوم- واقع در سالن جوانان اسکندریه (Hall of Youth Skenderija). ما بر این نظریم، از تالار بیرون آمده و به شهروندان توضیح دهند که چه کاری برای برآوردن درخواست های شهروندان که برای برآوردن آنها برگزیده شده بودند، انجام داده اند. ما به تمام شهروندان که در کانتون سارایوو ساکن هستند اعلام می کنیم که با واقعیت برخورد واقعی داشته باشند و آنچه که متعلق به همه ماست را پس بگیریم.»



این وحشت است که دولت را وادار داشته است، به این شیوه برخورد کند :

« صدای مجمع (Plenum) صدای خیابان است. صدای فقیران، صدای محرومان، آن آزادی نداشته ها، صدای کارگرانی که سال ها دستمزد شان پرداخته نشده است، آن باز نشستگانی که از زور نداری و فقر، زباله ها را برای پیدا کردن غذا و تکه نانی می کاوند، آن جوانان به حاشیه رانده شده، صدای همه آنهاست" ، منبع :

<http://www.sarajevotimes.com/plenums-voices-street/>



« نخبه گان ما، رفتار شان با مردم عادی ما تند برخورد صاحبان سیرک ها با حیوانات احمق سیرک است که باید فقط آنها را به خط نمود و برای فرمائبری آموزش داد. آنها خود را آموزش دهنده گانی می بینند، که دانشی در دست دارند که با آن ما را بهمان شیوه دلخواه آموزش دهند و تبدیل به آنچه مورد دلخواهشان است، نمایند. در طول زمان، آنها، از ما حیواناتی وحشی ساخته اند. حیواناتی که مورد غضب قرار گرفته و سرکوب شده اند، ارزش های سیستماتیک از بین برده شده ی ما اکنون با خشونت تشنه ی انتقام گرفتن از سرکوبگران و تحت فشار قرار دهنده گان ما هستند- « Snapshot از بانجالوکا: این دلیل فهم برای انقلاب اجتماعی می باشد که نزدیک است.»، بیشتر را درلینک زیر ببینید :

<https://bhprotestfiles.wordpress.com/2014/03/15/snapshot-from-banjaluka-why-a-social-revolution-is-imminent/>

Tuzla: "We, the workers, are from different nations, but we are all united."

توزلا: « ما کارگران، از ملت های مختلف هستیم، اما ما همه متحد هستیم.»

آغاز شورش در بوسنی و هرزگورین نشأت گرفته از شورشی است که کارگران کارخانه سازنده مواد شستشو- دیتا در توزلا آغاز کردند. بعد از سال ها رنج بردن، فشار اقتصادی و زجر تحمل کردن، آری، پس از آن بود که آنها، اندیشه خود را از منفعت هر گونه اعتراض صلح آمیز خالی نمودند و با کارگران سایر کارخانه ها و مؤسسات در ۵ فوریه خیابانها را در توزلا به محل مبارزات و اعتراضات خویش تبدیل کردند. پلیس با وحشیگری و سرکوبگرانه به آنها حمله کرد. این سرکوبگری ها باعث به وجود آمدن یک جنبش عمومی از همبستگی جوانان و بیکاران شد که همه ی کانتون ها را فرا گرفت و در نتیجه در سراسر بوسنی و هرزگورین ساختمان های دولتی در آتش سوختند و کارمندان دولتی مجبور به استعفا گردیدند.

Tuzla: "We, the workers, are from different nations, but we are all united".

توزلا: « ما کارگران، از ملت های مختلف هستیم، اما ما همه متحد هستیم.»

People cheering as government was burning, Tuzla, February 2014.



مردم از سوختن ساختمان مقر دولت در توزلا اظهار شغف می کنند.

در اینجا توجه شما را به مصاحبه تلویزیونی Labournet.tv با چند تن از کارگران کارخانه دیتا جلب می کنیم.. آنها از سیستمی می گویند که هر روزه کارگران را فقیر تر و سرمایه داران و برورکرات های نشسته بر مسند قدرت را ثروتمندتر می کند. آنها از سموم مذهب و ناسیونالیسم و مبارزه بر علیه شان می گویند. آنها از مبارزات و اعتراضات صلح آمیز و اعتصابات و درس و تجربیات شان می گویند، آنها از اتحادیه و رهبران آن می گویند "آنها اولین کسانی بودند که ما را ترک کردند." آنها از بیکاری جوانانشان می گویند «آتشی که فرزندان ما را سوزاند، همانی بود که فرزندان آنها را سوزاند». آنها از این می گویند که چرا این مبارزه، که آینده اش هنوز برای خودشان هم بطور واضح روشن نیست آغاز کرده اند. ولی با این همه یک چیز را بخوبی می دانند که نباید گذاشت که

اوضاع پیشین برگردد، باید سیاسیون حریص و طماع را از قدرت سیاسی خلع ید کرد. آنها می گویند «ما، کارگران متولد شده در جاهای مختلف هستیم، اما همه کارگریم، همه استثمار می شویم، ما، همه متحد هستیم.»

در لینک زیر این مصاحبه را می توانید ببینید:

<http://en.labournet.tv/video/6657/interview-dita-workers-tuzla>

ترجمه ای از این مصاحبه:

این فقط منفجر شده است.

هنگامی که شورش و اعتراضات همه شهرها را فرا گرفت آشکارا نقطه جوش، خود را نشان داد.

ما با اعتراضات صلح آمیز شروع کردیم. ما به مدت ۳ سال به شیوه صلح آمیز اعتراض کردیم. ۳ سال، ما صلح جویانه اعتراض کردیم. اما این جنایتکاران زبان اعتراضات صلح جویانه را درک نمی کنند! کارخانه دیتا کار خود را از سال ۱۹۷۷ شروع کرد. این کارخانه چون ووکاده تا شروع جنگ، دولتی بود.

دیتا در حدود ۷۰۰-۷۵۰ نفر کارگر داشت.

بعد از جنگ، ما کارگران، ما سهام را خریدیم و شدیم بزرگترین صاحبان سهام در دیتا. ناسیونالیسم یکی از مشکلات بزرگ است. این مهم نیست که یکی با هوش باشد، اما مهم این است که به کدام ملیت آن شخص متعلق باشد.

ما، کارگران، در کشورهای مختلف متولد شده ایم، اما همه ما متحد هستیم. ما مانند سیاسیون نیستیم، که بدنیال کشورهای مختلف هستند و در احزاب متفاوت تقسیم شده اند.

سیاسیون مردمان را تقسیم می کنند، اما در خود واقعیت آنها با هم می نشینند و با هم مشروب می نوشند.

آنها فقط مایلند که انسان ها قسمت قسمت شوند.

صحیح. آنها خواست شان پراکنده گی ماست.

آنها با هم جشن می گیرند و با هم مشروب می نوشند و بین خودشان سودها را قسمت می کنند.

از بیمه درمانی محروم هستیم.

آنها پول بیمه بهداشت و درمان ما و مخارج باز نشستگی ما را نمی پردازند و هیچ کس در آن دخالت نمی کند. این مسئله آنها نیست.

پس آنها حقوق های ما را قطع کردند - به پرداخت دستمزدهای ما خاتمه دادند.

بعد از آن، ما هر سه ماه یک بار حقوق ها را دریافت کردیم.

بعد از آن ما شروع به شکایت نموده و اعتصاب کردیم.

اتحادیه ما را رها کرد. آنها اولین کسانی بودند که ما را رها نمودند.

آنها برای ما تعریف کردند که شکایت کردن را تمام کنید.
که ما شغل هایمان از دست خواهیم داد، و غیره.
ما، دستمزدهای مان برای ۲۷ ماه است که دریافت نکرده ایم، و مخارج
بازنشستگی مان را ۵۲ ماه.
ما، ما یلیم که یک چیز جالب را اینجا تعریف کنیم. ما سه نفر از
چهار نفر دستمزدمان را دریافت نکرده بودیم، اما کارفرما خواست که نشان دهد
که انسان خوبی است و می خواهد به ما پول اندکی بدهد.
به ما می گفت بیچاره ها من دلم به حالتان می سوزد زیرا که شما در وضعیت
خیلی سختی هستید! چنین است که می خواهم بهر نفر ۸۵ یورو بدهم که برای
اندک مدتی زنده بمانید. او پول ما را تصاحب کرده بود، ولی می گفت که می
خواهد لیان چند تا از ما را خندان نماید و می خواست ما اندکی بعد آنرا باز
پرداخت نماییم.
ما یک اعتصاب غذا کردیم، اما آن هم کمک کننده نبود.
پس ما تصمیم گرفتیم که به خیابان ها برویم برای اینکه قادر گردیم، به دیگران
نشان دهیم که چه در این کارخانه گذشته است.
اما، همچنین اتفاقی در کارخانه های دیگر نیز اتفاق افتاده بود، آنها فقط جرئت
بیرون رفتن را نداشتند.

ما شجاعت شروع آنرا داشتیم. این، ما را به شرایط امروزی رسانده است.



من ۳۶ سال در این کارخانه کار کرده ام. اگر آنها مخارج بازنشستگی مرا طبق
نُرم پرداخت کرده بودند، من اکنون بازنشسته می شدم.
ما خود را سازمان داده ایم.
ما ۲۴ ساعت در هفته به نوبت نگهبانی می دهیم، تا یک راه حل پیدا کنیم.
ما نگهبانان یک شیفت هستیم که از کارخانه مراقبت می کنیم.
ما باور آورده ایم که بدین شیوه برای حقوق مان مبارزه کنیم، آن موقع تصمیم
گرفتیم که از کارخانه ۲۴ ساعت در هفته نگهبانی کنیم، که آنها از آمدن برای خالی
کردن کارخانه بی نیاز باشند. همه ی دیگر کارخانه های اطراف ما شکسته شده و
خالی گردیده اند.
ما باید راهی برای غذا و حمل و نقل پیدا کنیم. هیچ کس به فکر ما نیست... ما
خودمان را سازمان داده و بر پای خود ایستاده ایم. ما شیفت خویش را داریم.
ما در خواست داریم که او (کارفرما- مترجم) حقوق ما را بپردازد، همچنین
مخارج بهداشت و بازنشستگی ما را... که ما بازنشسته شویم. کارگران جدید
خواستار آغاز تولید هستند.
.... در اداره کار توزلا ۱۰۰ هزار بیکار ثبت نام کرده است... نصف شاغلین در
بازار سیاه کار می کنند.

انسان ها باید یک شیوه برای زنده ماندن پیدا کنند. چه کار می توانند بکنند؟
ما همچنین، باید برای این مشکلات یک راه حل بیابیم.
صاحبان خصوصی از این هرج و مرج منفعت می برند و سوء استفاده می کنند.
آنها جوانان را غیر رسمی استخدام می کنند، بدون کمک های لازمه، آنها حقوقی
را که مایلند به آنها پرداخت می کنند .
هیچ قانونی موجود نیست، برای متوقف کردن آن. بیشتر فرزندان ما در بازار
سیاه کار می کنند.
آنها در سینماها، کافه ها، بدون حق بیمه های اجتماعی یا هر گونه امتیاز دیگری
کار می کنند.

اختلاف طبقاتی عظیم است، بخشی خیلی دارد و برخی ها چیزی برای خوردن
ندارند.

چنین چیزی ما را به این وضعیت رسانده است....
تنها اشتباه ما این بود که هنگامی که اولین کارخانه در توزلا بسته شد، ما
کارگران بلند نشدیم.
این چیزی که اکنون اتفاق افتاده است، محصولی است از فقر، نارضایتی و
شورش.
اگر کار ما اشتباه بود ما را شهروندان ساراویوو و سایر کشورها پشتیبانی نمی
کردند.
آنها در همبستگی با ما در بلغراد، در مقدونیه، مونتنگرو و همچنین کرواسی
اعتراضات سازمان داده اند.
همه آنها از کارگران و جوانان در بوسنی و هر زه گوین پشتیبانی می کنند.
اکنون همه ی انسان های کارگر و زحمتکش در بالکان از ما و مبارزه ی ما به
پشتیبانی بر خاسته اند.
آنچه که فرزندان ما را سوزاند... همانی بود که فرزندان آنها را سوزاند، ما در این
باره بین خودمان سال ها بحث کرده ایم.
این هرج و مرج است. کسی باید کاری انجام دهد. عوامل بوجود آورنده این
وضعیت را، آنها را باید سوزاند.
آنها چنین جوانانی را هولی گان (خرابکار) می نامند. ما باور داریم که آنها واقعا
هولی گان هستند.» منبع:

<http://en.labournet.tv/video/6657/interview-dita-workers-tuzla>

اگر شورش در توزلا مایل است، موفق بشود همچون یک انقلاب اجتماعی، آن
موقع باید خود را با کارگران و خواست آنها که حاکم شدن آنها بر شرایط کار شان
می باشد، وفق دهد.



هنگامی که مرور گر آب های ناشناخته را نشان می داد. پلنوم توزلا به تلاش و کوشش برای نجات کسانی که داشتند، خفه می شدند، پرداخت. مجمع عمومی کانتون توزلا رئیس دولت- نخست وزیر خویش را برگزید. باهریجا اومیهانی (Bahrija Umihani). یک سیاستمدار نیست. یک شرایط ویژه ایجاب کرد که مجمع عمومی مردمی او را برگزیند- به نظر می رسد که او دست نشاندگی یکی از احزاب باشد. او همچنین، یک تجار هست.

آنها راضی به این نیستند، اما آنها هنوز به این قناعت و آگاهی و حساب کردن نرسیده اند که چگونه می توانند نماینده کان خود را برگزینند و چگونه آنها را خلع نمایند. به نظر نمی رسد که آنها به چنین کاری به زودی موفق گردند. یک نشانه این کار آنها، این است که اجازه داده اند که مجمع عمومی آنها در چارچوب و محدوده دموکراسی بورژوائی عمل کند، در عوض اینکه آنها را انقلابی نمایند. بدین معنی که تصمیم بوسیله آنها یعنی مجمع عمومی (تالار- پلنوم) گرفته شود. و برگزیده گان آنها در دولت برای این برگزیده شوند که آن تصمیمات را که همه از جمله خود نماینده گان اجرائی گرفته اند را عملی نمایند و اگر نمایندگان برگزیده آن تصمیمات را انجام ندادند، قدرت خلع آنها را داشته باشند.

هنگامی که آنها کاندیداهای خود را برای دولت انتخاب کردند، آنها کاری که انجام دادند فقط پیشنهاد دادند چه کسی و برای کجا کاندیدا گردد. منبع مستقیم :

<http://www.mrptk.ba/uploads/Prijedlozi%20za%20mandatara%20i%20ministre%20u%20Vladi%20TK.pdf>

با این وجود، پلنوم ها - مجامع عمومی بهترین نمونه از دموکراسی مستقیم در اروپا هستند که تا کنون مردم اروپا بدان رسیده اند. از این کمیته ها و مجامع عمومی هم اکنون در اسپانیا، یونان، همچنین در ترکیه موجود هستند، اما شورش در بوسنی و هرزه گوین شرایطی را برای انسان های کارگر، زحمتکش و عادی خلق کرد که بتوانند قدرت خود را پس بگیرند. آنها هنوز بدانجا نرسیده اند.

اما هنگامی که از طرف پلنوم Bahrija Umihanić برگزیده شد، شرکت کننده گان در خواست کردند که یک بحث عمومی در باره وظایف دولت جدید در تلویزیون کانتون توزلا (راديو- تلویزیون کانتون توزلا) بعنوان یک خدمت عمومی برگزار گردد. لیست تمام کاندیدا ها به چاپ رسید (منبع)

<http://www.mrptk.ba/uploads/Prijedlozi%20za%20mandatara%20i%20ministre%20u%20Vladi%20TK.pdf>

قبل از اینکه کاندیداها رسمیت بیابند. Bahrija Umihanić که برای اداره کانتون توزلا کاندیدا رئیس دولت شد، از او خواسته شد که برنامه خود را برای مجمع عمومی بیان کند. «ده ها تن از شهروندان خیلی فعالانه در بحث ها شرکت کردند، کاندیداها را مورد خطاب قرار دادند، سوالات را طرح کردند، پیشنهاد دادند و در باره پیشنهادها بحث ارائه دادند، ناراضیاتی خود را با نام بردن از

کاندیدها و ارائه فاکت که مجمع عمومی کانتون توزلا شرایط پلنوم را برآورد نکرده است، ابراز داشتند.» منبع

<http://bhprotestfiles.wordpress.com/2014/03/20/report>

-from-the-11th-session-of-the-tuzla-plenum-of-citizens-15

-march-2014/



Politicians are banned from plenums which sprung all over BiH, in the aftermath of the February uprising. Pic from [Bosnia Solidarity Committee](#).

از ورود سیاسیون به مجامع عمومی (plenums) که در سراسر بوسنی و هر زه گوین بعنوان محصول جوشیده از شورش ماه فوریه می باشند ، جلوگیری می شود.

قبل از این، کاندید ا Umihanić Bahrija کوشش کرد که plenum را مقصر جلوه دهد، اما تأثیر و عملکردی نداشت. بعد از اینکه او برگزیده شد، او تیم حقوقی در کانتون تولاز را دعوت به دفترش نمود. از طرف آنها، به دعوت او جواب رد داده شد و آنها به او یادآوری کردند که مجمع عمومی قدرت اصلی را دارد، نه او. این

است جواب آنها « با فکر نمودن به اینکه نه این تیم حقوقی و بلکه هر فرد و قانون دیگری، گروهی یا انفرادی مناسب برای نمایندگی پلنوم کانتون توزلا است... ما شما را دعوت می‌کنیم بعنوان کاندیدای سرپرستی یا اداره کننده برای آینده دولت کانتون توزلا، که برای معرفی عملکرد خویش به شهر وندان در نشست های برنامه ریزی شده یعنی در پلنوم شرکت کنید... ما حتی به شما در باره همه آن پرسنل های در پلنوم به تصویب رسیده یاد آوری می‌کنیم، که در حله نخست عبارتند از نامزدی متخصص، بدون وابستگی حزبی - غیر حزبی، و قومی که حاکمیت و اداره کردن را از ماجراجویی ها حفظ نماید. حضوری- بدنی در آینده به درخواست های از جانب شهروندان در کانتون توزلا جوابگو است. ما همچنین به شما یاد آوری می‌کنیم که شهروندان شرط و شروط و خواست های اولویت بندی شده در زیر را در رابطه با دولت کانتون توزلا به تصویب رسانده اند. (در جلسه پلنوم مورخه ۲۲ فوریه ۲۰۱۴):

خواست های شهروندان

« که مجمع عمومی کانتونی، دولت متخصص آینده، در کانتون توزلا بدون فوت وقت و فوری اقدامات مشخصی برای راه اندازی تولید و فعال نمودن فعالیت های اقتصادی در کانتون را به اجرا گذارد.

- که دولت متخصص آینده در کانتون توزلا ایجاد یک نهاد حرفه ای مستقل برای انجام ممیزی از خصوصی سازی شرکت های دولتی واقع در کانتون توزلا را و عملیات تجاری این شرکت ها پس از خصوصی سازی و آغاز به روند مراحل قانونی با آژانس های مناسب و یا موسسات در رابطه با این شرکت ها با توجه به نتایج حاصله از ممیزی های کامل را در دستور گذارد.»

که دولت متخصص آینده کانتون توزلا یک سازمان حرفه ای مستقل برای انجام ممیزی از خصوصی سازی شرکت های دولتی در کانتون توزلا و فعالیت های تجاری این شرکت ها پس از خصوصی سازی و موسسات را با روند مراحل قانونی با سازمان یا نهاد های مناسب با توجه به نتایج حاصل از ایجاد ممیزی به پایان رساند. منبع:

<http://bhprotestfiles.wordpress.com/2014/03/15/the-legal-team-of-the-tuzla-canton-plenum-responds-to-bahrija-umihanics-invitation/>

از جمله خواست های دیگر، عبارت بودند از « برای همیشه مقرر داشتن هر گونه سلسله عملیات مجازاتی بر علیه کلیه تظاهر کننده گان سراسر فدراسیون میان ۵ فوریه و ادامه آن در نظر گرفته شده است را لغو نماید؛ بطور موقت همه عملیات و مراحل خصوصی سازی را متوقف کند، با اضافه فروش اموال متعلق به عموم را. ایجاد یک کمیسیون و تحقیق و بررسی در رابطه با خصوصی سازی های که تا کنون بوسیله مسئولین انجام گرفته اند؛ به طور موقت در تمام فدراسیون قرض گرفتن پول از مؤسسات و بانک های بین المللی و خودی و امکانات با هدف اینکه درخواست اعتبار نمودن برای تأمین مالی کردن مخارج جاری عمومی در تمام فدراسیون را، معلق نماید.» منبع -

<http://bhprotestfiles.wordpress.com/2014/03/20/report-from-the-11th-session-of-the-tuzla-plenum-of-citizens-15-march-2014/>

ویدئو که نشان می دهد که چگونه یک پلنوم برگزار می شود، متأسفانه یافت نگردید.

« باید اجازه داد و دید که در واقعیت چه اتفاق می افتد. اینکه انتظار داشته باشیم که در یک ماه همه سیستم موجود (در بوسنی) از بیناد تغییر کند، آشکارا یک تخیل و توهم است.» یک آسیستانت ساکن توزلا می گوید. سؤال این است کدام تغییرات می خواهند انجام گیرند؟ آن تغییراتی که باعث شوند که سیستم قبلی دوباره کار خود را آغاز کند؟ یا اینکه سیستم موجود را به طور رادیکال تغییر دهد، چنانکه انسان های کارگر را بر زندگی خویش حاکم گرداند و آنها را قادر سازد که تولیدات بوسیله کارشان را برای رفع نیازمندیهای خویش مورد استفاده قرار دهند؟

« شرایط موجود در بوسنی تنها، نتیجه اعمال یک عده سیاست مدار رشوه گیر و سرمایه داران حریص نیست، بلکه این، محصول خود سیستم اقتصادی و سیاسی- اجتماعی موجود است که در پی ادامه خود چنین افرادی را تا لحظه موجودیت خویش، خلق می کند. تنها آلترناتیو- همه قدرت به تالارهای عمومی- پلنوم هاست!

در لحظات اولیه ای که تالارها با درد زایمان طبیعی متولد می شوند و هنگامی که آنها شروع به ساخته شدن خود می کنند، این طبیعی است که سازنده گان آنها آگاهی کامل از اهمیت و معنا و مفهوم آنها و نیز از نقش غیر قابل اندازه گیری شان بعنوان ارگان های تعیین کننده ی قدرت سیاسی و همچنین از اهمیت نقش خود بعنوان سازنده گان آنها نداشته باشند. پس، در آینده باید که انتظار داشت، بسیاری از کاراکترهایی که در پلنوم دارای نقش اصلی و فرعی می شوند، اشتباه کنند و نیز انتظار ندانم کاری های بزرگ و کوچک رُخ دهنده را داشته باشیم و این هم طبیعی است که کسانی در پُست های کلیدی قرار گیرند، که نباید قرار گیرند. همه این ها در مراحل اولیه ی تاتی تاتی کردن هر کودکی دور از انتظار نیستند، مخصوصاً در اموری که به اجتماع و بویژه طبقات و منافع طبقات ربط مستقیم و غیر مستقیم روشن و واضح دارند. خیلی از شرکت کننده گان بی اطلاع و ناآگاه از قدرت خود به دیگران و مدل های موجود و قدیم دخیل می بندند که نباید ببندند و خیلی ها نیز که لیاقت و تجربه یک کاری را ندارند و توانا به انجام آن نیستند، بیهوده بر نقش خود اصرار می وزند، خطر اصلی در این ها نیست، بلکه خطر اصلی در آنجاست که اولاً توده های شهروند از دخالتگری معاف و یا محروم و بدتر از همه مایوس گردند و دیگر اینکه دُگم های موجود و ندانم کاری ها تثبیت گردند. این اساسی است. تالارها بعنوان مجامع عمومی مردم زحمتکش و کارگر به نقش تعیین کننده خود بعنوان ارگان های قدرت کارگران و زحمتکشان، بدون هیچگونه تبعیض قومی و مذهبی و جنسی واقف گردند و فرماندهی واقعی را، خود بدانند و نه گروه ها و افراد منفرد متخصص و زبده و از نخبه گرایی جداً پرهیز کنند. پلنوم باید سعی کند خواست و شرایط شهروندان را به لباس قوانین در آورد و دولت که از درون پلنوم بر می خیزد و باید برخیزد نقش اجرایی مشخص داشته و در برابر انتخاب کننده گان پاسخگوئی جمعی و فردی داشته باشد. پلنوم نباید از اشتباه کردن بهراسد. پلنوم بداند که اشتباه کردن مهم نیست، بلکه مهم و اساسی چگونگی برخورد به اشتباهات است. همه چیز باید به آگاهی اعضای اطاق- مجمع عمومی- پلنوم برسد. (این کاملاً بدیهی و روشن باشد، هرگز نباید دست از دموکراسی مستقیم بردارد و شخصیت طبقاتی و مستقیم و ثابت خود را تغییر دهد.)

از طرف دیگر، همه نیروهائی که خواستار حفظ نظم موجود هستند، در آینده تمایل دارند که خیلی زود و بدون فوت وقت تالارها را به خشکانند «پلنوم را از چهره کره زمین پاک کنند و باز گشت همه چیز به»، «نرمالیت»- با در بغل گرفتن مؤسسات و نظم قدیم که منافع آنها را حفظ می کند. بنا بر این، این مهم است که از پلنوم بعنوان مرکز، نقطه کانونی و ستون فقرات جنبش مراقبت به عمل آید. کارگران، بیکاران، دانش آموزان و بازنشستگان در توزلا آگاه از این واقعیت هستند که شما در حال انتقال از یک دولت قدیم به یک دولتی که جدید و نوظهور است، می باشید. این دولت جدید و مورد تقاضا از درون پلنوم بوجود می آید! اجازه دهید که دولت جدید، دولت انتخابی پلنوم کانتون توزلا باشد. تعویض اعضا و برنامه ها، پاسخگویی توسط پلنوم است. اجازه دهید، دولت برخاسته از پلنوم که دولت جدید کانتون توزلاست، برای جلوگیری از برگشت به نظم قدیم، راه خود را به سوی نظم جدید به پیماید!» منبع:

<http://internationalviewpoint.org/spip.php?article3289>



«در مقابل شورش کارگران و مردم زحمتکش، بدون هیچگونه تردید و شکی امپریالیست های اروپائی تلاش خواهند نمود که سیستم سیاسی که خودشان بنیاد گذاشته بودند را تقویت کنند. در حالی که کارگران در توزلا تقاضای کمک مالی قابل فهم و درکی برای برپا داشتن آموزش، بهداشت و اشتغال و کار دارند که مطابق هنجار های اروپائی است، دولت های اروپائی با حالتی حق به جانب به رد هر گونه کمک پرداخته و از هر گونه دخالت در مبارزه آنها سرباز می زنند و می گویند که آنها تمایل ندارند که در آن دخالتی داشته باشند.

برای آنهایی که خواهان درسگیری و نیازمند تجربه گرفتن از سیاست خودخواهانه طبقه ی حاکمه اروپا هستند، فقط نیاز است که به سیاست آنها در اوکراین توجه کرد، در آنجا دولت آلمان خواهان پشتیبانی از جنبش ارومیدان می باشد؛ این در حالی است آنجا را خشونت طلبان و نیروهای فاشیستی تکمیل کرده اند، اما در مورد بوسنی فوراً گفته می شود که نظم باید برقرار شود. بعنوان فاکت می توان به اولین جواب نمایندگان راست در اتریش اشاره داشت که تظاهر کننده گان را تهدید کردند که اگر دولت و پلیس از برقراری آرامش ناتوان باشد، باید نیروهای نظامی یعنی سرباز و پلیس از کشورهای بیگانه فرستاده شوند.

اما مجامع عمومی- تالارها- پلنوم ها باید بدون فوت وقت و بوسیله برگزیدن نماینده گانی از محل های کار و محل سکونت طبقه کارگر به شوراهای انقلابی توسعه پیدا کنند، همچون شوراهای روسیه در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷. و اما متأسفانه آنها

اکنون با تأثیر پذیری از ایده های لیبرالی و آزادی طلبانه، و تحت حاکمیت چنین ایده هایی خود را راضی به بحث ها نموده و کوشش می کنند که هر چه زودتر راه حل آنها را پیدا کنند و تغییرات پراکنده انجام دهند، همزمان می بینیم که نیروهای نماینده راست- باضافه طرفداران قرار داد دیتون*- در تلاش برای کنترل کردن می باشند.



تقاضا برای یک دولت متشکل از لحاظ سیاسی بی طرف " کارشناسان " به وضوح انعکاس تحقیر و تنفر عمیق از طرف مردم برای نخبگان سیاسی انگل می باشد.. خشم عمیق مردم نسبت به سیاستمداران فاسد و احزاب سیاسی طبقات حاکم کاملاً قابل توجیه است. اما به راحتی می توان " کارشناسان بی طرف " را در میان الیت نخبه طبقات پارازیت حاکمه پیدا کرد و به آسانی می توان نشان داد که " کارشناس نئوترال " بی طرف موجود نیست که برای حاکمیت کردن فراخوانده شود. کجا می توان آنها را پیدا کرد؟ آنها هیچگاه در جامعه موجود از کسب و کار، بوسیله بوروکراسی دولتی یا در سمت پرفسورهای دانشگاهی و یا حداقل مؤسسات متعلق به اتحادیه اروپا دست برنداشته و بر نمی دارند. دولت های نخبه گان تکنوکرات بانک ها در ایتالیا بر مسند قدرت نشستند و خیلی ساده و به فشرده گی، خصوصی سازی و برنامه های ریاضت اقتصادی را پیش بردند- می توان گفت که آنها عبارت بودند از مؤسسات سیاسی و اقتصادی طبقه ی حاکمه و تحمیل شده به مردم برای به اجراء گذاشتن سیاست های امپریالیستی، هنگامی که دموکراسی پارلمانی نشان می دهد که نمی تواند آنرا انجام دهد.

طبیعتاً، بهتر بود که پلنوم ها کاری انجام می دادند که همه امور را بوسیله نشست های کانتتونی و دولت فدرالی در قدرت خویش می گرفتند، اما هدف آنها بایسته است، این باشد که آنها را با یک دولت که عبارت است از نماینده گان انتخابی و مسئول از طرف مردم کارگر و زحمتکش، دانش آموزان و دانشجویان و بیکاران انتخاب شده باشند، ارتقاء دهد .

(مترجم این نماینده گان باید اولاً قابل عزل باشند. یعنی بدین معنی که هر گاه که انتخاب کنندگان خواستار آن باشند. دوماً حقوق و مزایای شان برابر با حقوق و مزایای کارگر عادی باشد، این شرط آخری مهم است، زیرا که از فاسد شدن جلوگیری می کند، زیرا که مادر مفسد اجتماعی پول و امتیازات مادی است!*)



پس در آن هنگام است که نخست کارگران، جوانان و دهقانان فقیر قادر می گردند تولید را باز ساماندهی نمایند برای اینکه بتوان نیازهای موجود مردم را برآورده کرد. اما برای این کار لازم و ضروری است که طبقه ی کارگر دوباره ابتکار عمل را بدست گرفته و یک دولت کارگران بنیاد نهد. قدرت را قبضه کند. " منبع-

<http://www.workerspower.co.uk/2014/03/bosnia-the-forgotten-uprising/>

واقعیت فقط این نیست که چون فرزندان آنها دولت را به آتش کشیدند، کارگران را در توزلا انقلابی نموده است. این شرایط زیست خود آنها بعنوان برده گان مزدی است که آنها را به میدان کشید و به انقلابیون تبدیل کرد. این را آشکارا می توانید در لینک زیر گوش فرا دهید. این صدای کارگران کارخانه ی دیتاست که دولت قدیم را فراری داده و پلنوم ها، نطفه ی دولت جدید را بنیاد گذاشته اند. زیر نویس ها به انگلیسی می باشند.
لینک:

<https://www.youtube.com/watch?v=7Qf2eBKnuU>

این اولین اعلامیه از کارگران انقلابی توزلاست، که شورش آنها دولت را فراری داد!

۷ فوریه ۲۰۱۴: امروز در توزلا آینده جدیدی آفریده شد! دولت استعفا خود را تسلیم کرد، که اولین تقاضا از جانب تظاهر کننده گان بود و باضافه اینکه این زمینه و فضای مناسبی را برای اینکه دیگر مشکلات موجود حل گردند، و برای تحقق دیگر خواست های کارگران می آفریند.

نفرت و خشم انباشته شده دلیل بوجود آمدن رفتار و حرکت خشونت آمیز است. نگرش حاکمین باعث تشدید شرایط و فوران آتش در توزلا گردید. اکنون، در این شرایط جدید، ما باید تلاش و کوشش خود را بر این متمرکز کنیم که از این خشم و نفرت برای ساختن یک سیستم سازنده و قابل استفاده و ایجاد یک دولت برای به انجام رساندن چنین وظیفه ای بهره ببریم.



بوسنی و هرزیه گوین، فوریه ۲۰۱۴ - BiH, February 2014

ما تمام شهردان را به پشتیبانی برای به اجرا گذاشتن خواست ها و مطالبات زیر فرا می خوانیم:

- ۱- بر قرار نمودن نظم عمومی در همکاری با شهروندان، پلیس و خدمت کاران کمکی و نجاتی کوشش نمائیم ، برای اینکه جلوی جنایت و جرم، سوء استفاده های سیاسی و دستکاری پست های فعال گرفته شود.
- ۲- که بوجود آوردن یک دولت تکنوکرات، عبارت از کارشناسان، ماهران، غیر عضو احزاب سیاسی، انسان های غیر سازشکار، که نمایندگی در هیچ درجه ای از جانب دولت قدیم نداشته اند، که کانتون توزلا را تا انتخابات ۲۰۱۴ رهبری کند. چنین دولتی مؤظف است و وظیفه مند است که برنامه ها و گزارشات در مورد عملکرد خویش و رسیدن به اهداف تعیین شده را تحویل پلنوم دهد. کار در دولت بوسیله تمام شهروندان دخیل دنبال می شود.
- ۳- حل، سئوالات را رسیدگی فوری کردن، سئوالات مشخص در باره خصوصی سازی شرکت های در دنبال:

و: "Konjuh", "GUMARA", "Poliolhem", "Polihem", "Dita"

- ۴- بستن استخدامی ها با وقت مشخص و دنبال کردن بهداشت کارگران؛

مجازات کردن کسانی که مرتکب جرائم اقتصادی شده و تمامی دخالتگران در چنین جرائمی؛

پس گرفتن اموال و دارائی هائی که به طور غیر قانونی به ارث برده شده اند؛

از بین بردن قرار دادهای خصوصی سازی؛

انجام یک تحقیق در مورد خصوصی سازی ها؛

برگرداندن کارخانه ها به کارگران و زیر کنترل مقامات عمومی قرار دادن آنها برای اینکه منافع مردم محافظت شود، شروع تولید در کارخانه ها، جایی که امکانش هست.

۵- بر قرار نمودن بالانس حقوق مقامات رهبری کننده با حقوق مستخدمین معمولی دولتی و بخش خصوصی.

۶- از دور خارج کردن پرداخت های دیگر به کسانی که دولت را رهبری می کنند، چون درآمدهای شخصی، به دلیل اینکه در کمیسیون ها، کمیته ها و بقیه ی ارگان ها شرکت می کنند، بعنوان جایگزینی های بی مورد و غیر قابل توجیه که کارگران کارکن در بخش های عمومی و خصوصی از آن ها محروم هستند.

۷- قطع پرداخت حقوق به وزرا و دیگر کارمندان احتمالی دولتی، که از دیگر جاها، بعنوان نماینده حقوق دریافت می کنند.

این بیانیه از طرف کارگران و شهروندان در کانتون توزلا صادر شده است، به سود و منفعت همه ماست.»

Solidarnost i. Revolujica.



"Stoppa nationalism. Sluta dela upp människor ", graffiti på den lokala Tuzla regeringen, som det
دولت محلی توزلا، که در آتش سوخت، در آغاز فوریه ۲۰۱۴ - 2014.
«متوقف کنید ناسیونالیسم را، تمام کنید تقسیم کرد انسان ها را»، کهنه کاری بر ساختمان



<http://revolution-news.com/tuzla-can-save-revolution-bosnia-herzegovina-workers-united/#prettyPhoto>

اضافات

* - قرار داد دیتون -

[Wright-Patterson Air Force Base](#) near [Dayton, Ohio](#), United States, in November 1995, and formally signed in Paris on 14 December 1995. These accords put an end to the three and a half-year long [Bosnian War](#), one of the [armed conflicts in the former Socialist Federative Republic of Yugoslavia](#)

http://en.wikipedia.org/wiki/Dayton_Agreement

* - قدرت پول در جامعه ی بورژوازی - کارل مارکس - ۱۸۴۳-۴۴

<http://www.hafteh.de/?p=13561>